

بررسی تأثیر پیش فرض‌های مذهبی بر ترجمه قرآن کریم

سهراب مروتی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۱۴

مینا یعقوبی**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۳

چکیده

در این پژوهش سعی شده است با بررسی سه نمونه از آیات قرآن کریم در باب «عدل الهی»، «امامت» و «وضو» از دیدگاه سه مترجم اهل سنت یعنی ابوالفضل رشید الدین میبدی، شاه ولی الله دهلوی و نجم الدین محمد نسفی و سه ترجمه معاصر شیعه یعنی ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای و ترجمه فولادوند، چگونگی تأثیرگذاری پیش فرض‌های عقیدتی بر ترجمه قرآن کریم تبیین گردد. نتیجه بدست آمده نشان می‌دهد که این پیش فرض‌ها به وضوح رنگ اعتقادی ترجمه‌های صورت گرفته را آشکار می‌نمایند.

کلیدواژگان: پیش فرض‌های عقیدتی، هرمنوتیک، نقش مترجم، عدل الهی، آیه ولایت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

توجه به نقش مترجم و تأثیر پیش‌فرض‌های فکری وی در ترجمه قرآن کریم، از نتایج گسترش مباحث هرمنوتیک در میان اندیشمندان اسلامی، در دهه‌های اخیر محسوب می‌گردد. در هرمنوتیک فلسفی است که ذهنیت و داوری مفسر، شرط حصول فهم است و در هر دریافتی به‌ناچار پیش‌دانسته‌های مفسر دخالت دارد؛ از این رو امکان برداشت‌های مختلف از متن به وجود می‌آید (واعظی، ۱۳۸۳: ۲۴۸ و ۳۰۰).

با این وجود، در نظریات فهم‌شناسانه اسلامی که به هرمنوتیک مدرن نزدیک‌تر است، ضوابط و شرایط خاصی برای مترجم قرآن کریم در نظر گرفته شده است مانند تسلط به زبان مبدأ، تسلط به زبان مقصد، رعایت امانت داری و... (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۴: ۵۴). مطلوب‌ترین و رایج‌ترین نوع ترجمه قرآن کریم نیز که امکان انتقال حداکثر معنای این متن الهی را دارد، ترجمه محتوایی دانسته شده که در مقابل ترجمه تحت‌اللفظی و آزاد قرار می‌گیرد.

آنچه در ترجمه معنایی اهمیت نخست دارد پیام و محتوای متن مبدأ و ساختارهای زبان مقصد است. به عبارت دیگر از نظر معنایی معمولاً میان متن مقصد و متن مبدأ تعادل وجود دارد، اما از نظر زبانی به‌ویژه دقایق و ظرایف لفظی، صرفی و بلاغی و نحوی، تعادل کامل و کافی برقرار نیست. و این امر به سبب اعجاز بیانی قرآن کریم است که بازآفرینی آن را غیر ممکن می‌سازد. اما همین خصوصیت منحصر به فرد قرآن و سبک ویژه آن در بیان معانی است که مترجم را ناگزیر می‌سازد تا برای انتقال پیام الهی، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از پیش‌دانسته‌هایش در امر ترجمه بهره‌گیری.

«پیش‌فرض عبارت است از آنچه در آغاز هر پژوهش، اقامه برهان یا بحثی، بدیهی و پذیرفته‌شده تلقی می‌گردد. نگرش به هستی، انسان، دانش و دیگر تمایلات متافیزیکی، از جمله پیش‌فرض‌هایی هستند که قبل از ورود به هر پژوهشی، سمت و سوی موضوعات و مسائل مورد پژوهش را تعیین می‌کنند» (حیدری، ۱۳۹۰: ۱).

پیش‌فرض‌های ترجمه قرآن کریم را می‌توان در دو دسته جای داد: یک دسته پیش‌فرض‌هایی هستند که فهم و انتقال معنا بدون در نظر گرفتن آن‌ها، ممکن نخواهد بود. به این نوع پیش‌فرض‌ها «مبانی ترجمه» گفته می‌شود و دسته دیگر پیش‌فرض‌هایی

هستند که فهم معنا موکول به در نظر گرفتن آن‌ها نیست و می‌توان به راحتی آن‌ها را کنار گذاشت (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۴: ۵۵).

مراد از پیش‌فرض در این پژوهش، دسته دوم است که جهت‌گیری‌های فکری خاصی را به عنوان مراد خداوند به خواننده متن انتقال می‌دهد و او را از تجربه ارتباط با معنای اولیه متن محروم می‌سازد. تعدد و تنوع این پیش‌فرض‌ها بسیار است؛ گرایش‌های کلامی، فقهی، طبیعی، اعتقادی و ... از این قبیل به شمار می‌روند. موضوع این پژوهش بررسی مورد اخیر یعنی تأثیر گرایش‌های اعتقادی و مذهبی بر ترجمه قرآن کریم می‌باشد؛ زیرا گرایش‌های مذهبی از ابتدایی‌ترین و در عین حال حساس‌ترین جهت‌گیری‌های هر متدینی به شمار می‌روند که مسیر فکری و عملی وی را در حد میزان آگاهی‌ها و پای‌بندی‌هایش، تعیین می‌نمایند. اعتقاد به حقانیت و نجات‌بخش بودن تعالیم یک مکتب و اعتقاد به مستند بودن این معارف به آیات الهی، در کنار احساس مسئولیت نسبت به هدایت مخاطبان عام ترجمه و اهتمام به اقناع مخاطبان خاص، از جمله مبانی و پیش‌فرض‌های خودآگاه یا ناخودآگاه ترجمه‌های عقیدتی به شمار می‌روند.

از این رو پرهیز از گرایش‌های عقیدتی در ترجمه قرآن، به دلایل زیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:

- ۱- وحدت ترجمه‌های قرآن، به جای استفاده از آن برای اثبات حقانیت مذهب خود و دامن زدن به اختلافات، می‌تواند یکی از راهکارهای بسیار مهم در ایجاد تفاهم و وحدت در میان مسلمانان باشد.
- ۲- وحدت رویه در ترجمه قرآن کریم و اجتناب از پیش‌فرض‌های فکری و عقیدتی، در فرایند تبلیغ اسلام نیز آثار و برکات بیش‌تری خواهد داشت. زیرا این اطمینان را به مخاطبان خود می‌دهد که آنچه فهمیده‌اند مطابق با متن قرآن و فهم همگانی از کلام الهی می‌باشد.
- ۳- طرح این مسأله و شناخت چگونگی تأثیرگذاری معارف عقیدتی بر ترجمه‌های قرآن کریم، می‌تواند محققان و مترجمان را به منظور تدبیر راهکارهای علمی و عملی به تلاش و تأمل وادارد.

از این رو به بررسی چند نمونه از این تأثیرگذاری‌ها در ترجمه‌های دو مکتب شیعه و اهل سنت خواهیم پرداخت.

تحلیل مسأله

اختلافات مهم و اساسی فرق اسلامی یا بر سر اصول اعتقادی و یا احکام عملی می‌باشد. از این رو به منظور روشن شدن این مسأله که آیا گرایش‌های اعتقادی مترجم در ترجمه تأثیرگذار است یا خیر؟ یک آیه از قرآن کریم در ارتباط با «عدل الهی» به منزله شاخه‌ای از مباحث خداشناسی و یک آیه در رابطه با «امامت» به عنوان فرعی بر مسأله نبوت، و در نهایت آیه‌ای درباره کیفیت «وضو» که از موضوعات احکام عملی محسوب می‌گردد را انتخاب نموده و از دیدگاه سه مترجم شناخته شده اهل سنت یعنی ابوالفضل رشید الدین میبدی، شاه ولی الله دهلوی و نجم الدین محمد نسفی و سه ترجمه معاصر شیعه یعنی ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، و ترجمه فولادوند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

عدل الهی

از مواضع اصلی اختلاف شیعه و سنی، بحث بر سر عدالت خداوند می‌باشد، به گونه‌ای که شیعه آن را از اصول اعتقادات خود به شمار می‌آورد. یکی از بسترهای پیدایش بحث عدل الهی آیات موهیم جبر است. زیرا با وجود اعتقاد به اجبار انسان، مجازات و عقاب الهی نوعی ظلم محسوب می‌گردد! از این رو به بررسی یکی از این آیات پرداخته می‌شود تا تفاوت عملکرد مترجمان شیعه و سنی را در این باب تبیین نماییم. در آیه چهار سوره ابراهیم (ع) آمده است:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا لِيُبَلِّغَ الْقَوْمَ لِقَاءِ اللَّهِ مِنَ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (ابراهیم/۴)

- ترجمه آیت الله مکارم شیرازی: «ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قوم‌اش، نفرستادیم تا (حقایق را) برای آن‌ها آشکار سازد سپس خدا هر کس را بخواهد (و مستحق بداند)

گمراه، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت م‌کند و او توانا و حکیم است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۵۵).

- ترجمه الهی قمشه‌ای: «و ما هیچ رسولی در میان قومی نفرستادیم مگر به زبان آن قوم تا بر آن‌ها (معارف و احکام الهی را) بیان کند، آنگاه خدا هر که را خواهد به ضلالت و ا می‌گذارد و هر که را خواهد به مقام هدایت می‌رساند و او خدای مقتدر داناست» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۵۵).

- ترجمه فولادوند: «و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قوم اش نفرستادیم، تا [حقایق را] برای آنان بیان کند. پس خدا هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند، و اوست ارجمند حکیم» (فولادوند، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۵۵).

نکته قابل توجه، در عبارت «فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» نهفته است. هَدَى: به معنای روشن ساخت؛ می‌باشد. هنگامی که گفته می‌شود: برای تو هدایت کردم؛ یعنی برای تو روشن نمودم. هادی، یکی از اسماء خداوند متعال است. ابن‌اثیر می‌گوید: او کسی است که بندگان اش را بینا ساخت و راه شناخت خویش را به آنان شناساند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۳۵۶-۳۵۴). در مقابل هدایت، ضلالت قرار دارد. راعب گوید: «الضَّلَال: العدول عن الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ وَيَضَاةُ الْهَدَايَةِ». قول «صحاح» و «قاموس» و «اقرّب» و «نهایه» نیز قول راعب است. و اینکه بعضی هلاکت، و گم شدن، و باطل و فضیحت را از معانی ضلال شمرده‌اند، این‌ها لازم معنای اولی است که همان انحراف باشد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۹۲). از این رو می‌توان گفت که «يُضِلُّ» به معنای گمراه و منحرف می‌کند و «يَهْدِي» به معنای آگاه می‌سازد و راه را نشان می‌دهد؛ است. بر همین اساس، انتظار می‌رود که در برگردان فارسی دو واژه مورد نظر، این معانی به‌تمامه، به خواننده منتقل گردد.

اما از آنجا که اطلاق بی‌قید و شرط هدایت و ضلالت بندگان به خداوند، توهم جبر الهی را به دنبال دارد، در هر سه ترجمه شیعی فوق، سعی شده است تا به گونه‌ای این توهم از ساحت خداوند متعال زدوده شود. ترجمه اول با افزودن توضیح «استحقاق» برای گمراه شونده‌گان و «شایستگی» برای مهتدین در داخل کمانک، خواسته است تا خواننده را به شروط لازم جهت هدایت و اِضلال بندگان توسط خداوند متوجه نماید. در ترجمه

دوم، ضمن مثبت انگاشتن هدایت الهی برای هر کدام از بندگان خدا که باشد و تصریح بی قید به آن، با آوردن فعل «وا می‌گذارد» به گونه‌ای نامحسوس، ضلالت را به خود بنده نسبت می‌دهد و فعل «فَيُضِلُّ» را عملاً ترجمه نمی‌کند. در ترجمه آخر نیز تلویحاً هدایت را نعمتی دانسته است که خداوند برخی را از آن محروم می‌نماید. به عبارت دیگر، گویی می‌خواهد با تعبیر «بی‌راه گذاشتن» از بار منفی فعل «يُضِلُّ» بکاهد. اکنون به ترجمه‌های اهل سنت از این آیه نظر می‌کنیم:

- ترجمه رشید الدین میبیدی: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ» و نفرستادیم هیچ فرستاده‌ای، «إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ» مگر به زبان قوم او، «لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» تا پیدا کند ایشان را [پیغام من]، «فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ» تا گمراه کند الله او را که خواهد، «وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» و با راه آرد او را که خواهد، «وَهُوَ الْعَزِيزُ» و اوست تاونده با هر کاونده و به هیچ هست (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۲۲۱).

- ترجمه دهلوی: «و نفرستادیم هیچ پیغامبر را مگر به زبان قوم او تا بیان کند برای ایشان پس گمراه سازد خدا هر که را خواهد و راه نماید هر که را خواهد و اوست غالب با حکمت» (دهلوی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۵۴۸).

- ترجمه نسفی: «و نفرستادیم هیچ پیغامبری به قومی مگر به زبان ایشان، از بهر بیان ایشان فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ گمراه گرداند خدای تعالی هر که را خواهد، و راه راست دهد آن را که خواهد وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ و وی است عزیز در هر چه خواهد، و صواب کار در هر چه کند» (نسفی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۴۸۱).

از آنجا که غالب اهل سنت با نظریه جبر الهی موافق اند، مشاهده می‌شود که ترجمه‌های مورد اشاره نیز بدون هیچ‌گونه شرح و توضیحی به ترجمه معنای ظاهری آیه و دو عبارت «فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» اکتفا نموده‌اند که این امر می‌تواند حاکی از تأثیرپذیری آنان از اندیشه مورد بحث باشد.

امامت

مهم‌ترین بستر اعتقادی و تاریخی انشعاب مسلمانان به دو گروه شیعه و سنی، اختلاف بر سر جانشینی پیامبر و بدست آوردن مقام هدایت امت می‌باشد. به همین جهت است

که شیعه امامت را نماد هویت و یکی از اصول اعتقادی خویش قرار داده است و برای اثبات عقاید خود در این زمینه، به آیات متعددی از قرآن کریم استناد می‌جوید. یکی از این آیات که به آیه ولایت معروف است را از دیدگاه مترجمین فریقین مورد بررسی قرار می‌دهیم:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده/۵۵)

- ترجمه آیت الله مکارم شیرازی: «سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند همان‌ها که نماز را بر پا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۱۷).

- ترجمه الهی قمشه ای: «ولیّ امر و یاور شما تنها خدا و رسول و مؤمنانی خواهند بود که نماز به پا داشته و به فقرا در حال رکوع زکات می‌دهند» (به اتفاق مفسران مراد علی علیه السلام است) (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۱۷).

- ترجمه فولادوند: «ولیّ شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند» (فولادوند، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۱۷).

در تجزیه و ترکیب این آیه، به دست می‌آید که کلمه «انما» از جمله ادات حصر، «واو» پیش از «الذین» واو عطف و واو آخر نیز «حالیه» می‌باشد (صافی، ۱۴۱۸، ج ۶: ۳۸۶). شیعه با در نظر گرفتن این نکات و اتخاذ کلمه «ولی» به معنای سرپرست و رهبر و نیز با استناد به شواهد تاریخی، چنین نتیجه می‌گیرد که ترکیب «الذین آمنوا» در آیه فوق، در مصداق امام علی (ع) خلاصه می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۴۲۳).

به همین دلیل است که هر سه ترجمه مذکور، ضمن نشان دادن انحصار با آوردن کلمه «تنها»، واژه «ولی» را به معنای سرپرست، رهبر و ولی امر در نظر گرفته و «الذین آمنوا» را عطف به ما قبل نموده، و بر قید حالت رکوع در اعطاء زکات تصریح کرده‌اند. حتی مرحوم قمشه ای با توضیح داخل کمانک، به معنای مورد نظر شیعه تصریح نموده‌اند! در حالی که در ترجمه‌های اهل سنت، اینگونه نیست:

- ترجمه رشید الدین میبیدی: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ خَدَاوَنَد وِ كَارِسَاوَز وِ يَارِ شِمَا وِ هَمْدَم شِمَا اللَّهُ اَسْت وِ رَسُوْل وِی، وَالَّذِيْنَ اَمَنُوْا وِ پَس مُؤْمِنَان، الَّذِيْنَ يَّقِيْمُوْنَ الصَّلَاةَ اَنَانِ كِه نِمَاز بِه پَاي مِي دَارِنْد، وَيُوْتُوْنَ الزَّكَاةَ وِ زَكَات مَال مِي دِهِنْد، وَهُمْ رَاكِعُوْنَ (۵۵)، وِ ايشان پشت خم دادگان (میبیدی، ۱۳۷۱ ج ۳: ۱۴۲).

- ترجمه دهلوی: «جز این نیست که دوست شما خداست و رسول او و مؤمنانی که بر پا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و ایشان پیوسته نماز گزارند» (دهلوی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۴۹).

- ترجمه نسفی: «دوست شما خدای تعالی است و رسول وی و مؤمنان، الَّذِيْنَ يَّقِيْمُوْنَ الصَّلَاةَ وَيُوْتُوْنَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُوْنَ اَن هَا هَسْتِنْد كِه نِمَاز كِنِنْد وِ صَدَقِه دِهِنْد دَر اَن حَال كِه ايشان اند راکعان» (نسفی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۲۲).

اختلال در هر کدام از سه نکته نحوی مذکور و معنای لغوی کلمه «ولی»، ترجمه را از معنا و مصداق مورد نظر آن دور می‌سازد و اینگونه وارونه کردن تعابیر در ترجمه‌های فوق مشاهده می‌گردد. زیرا در هیچ کدام از آن‌ها به وضوح، حصر آیه ترجمه نشده است. هم‌چنین کلمه «ولی» به دوست، همدم و کارساز برگردان شده و به جز ترجمه آخر، قید حالت از رکوع حذف گردیده و حتی با تحویل «وهم راکعون» به «ایشان پشت خم دادگان» و «پیوسته نماز گزارند»، واقعه تاریخی و در نتیجه مصداق خاص آیه را محو نموده‌اند.

وضو

در بسیاری از اختلافات فقهی نیز، فریقین به آیات قرآن کریم استناد می‌کنند. در اینجا به عنوان نمونه به آیه کیفیت وضو اشاره می‌کنیم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ (مائده/۶)

- ترجمه آیت الله مکارم شیرازی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دست‌ها را تا آرنج بشویید! و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۰۸).

- ترجمه الهی قمشه‌ای: «ای اهل ایمان، چون خواهید برای نماز برخیزید صورت و دست‌ها را تا مرفق (آرنج) بشوید و سر و پاها را تا برآمدگی پا مسح کنید(الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۰۸).

- ترجمه فولادوند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به [عزم] نماز برخیزید، صورت و دست‌های‌تان را تا آرنج بشوید و سر و پاها را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید»(فولادوند، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۰۸).

مورد اختلاف در ترجمه این آیه، در عبارت «وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» نهفته است که آیا به فعل «إِغْسَلُوا» برمی‌گردد یا به فعل «أَمْسَحُوا»؟ در تفاسیر اهل سنت، اغلب وجه اول پذیرفته شده است: «وَأَرْجُلَكُمْ: يقرأ بالنصب، وفيه وجهان: أحدهما، هو معطوف على الوجوه والأيدي أي فاغسلوا وجوهكم وأيديكم وأرجلكم وذلك جائز في العربية بلا خلاف والسنة الدالة على وجوب غسل الرجلين تقوى ذلك. والثاني، أنه معطوف على موضع برؤوسكم والأول أقوى، لأن العطف على اللفظ أقوى من العطف على الموضع»(عکبری، بی‌تا، ج ۱: ۱۲۳).

آیت الله طباطبایی در توضیح وجه دوم می‌فرماید: «در جمله «وَأَمْسَحُوا بِرُؤُوسِكُمْ» کلمه رؤوس هرچند که به ظاهر مجرور به حرف جر است، ولی موضع‌اش موضع مفعول برای فعل «امسحوا» است(چون می‌فرماید سر خود را مسح کنید)، و چون موضع کلمه رؤوس نصب است، کلمه «ارجل» نیز باید به نصب خوانده شود، در نتیجه از کلام آیه می‌فهمی که در وضو واجب است صورت و دو دست را بشویی، و سر و دو پا را مسح کنی، و هرگز به خاطر خطور هم نمی‌کند که از خودت بپرسی چطور است ما کلمه «ارجلکم» را برگردانیم به کلمه «وجوهکم» که در اول آیه است، زیرا خودت در پاسخ خودت می‌گویی حکم اول آیه یعنی شستن به خاطر آمدن و فاصله شدن حکمی دیگر (یعنی مسح کردن) بریده شد، آری طبع سلیم هیچ‌گاه حاضر نیست کلامی بلیغ چون کلام خدای عز و جل را جز بر چنین معنایی حمل کند»(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۶۰).

از مطالب فوق به دست می‌آید که مفهوم(تفسیر) این عبارت از دیدگاه اهل سنت، چنین است: و پاها را تا برآمدگی آن‌ها بشوید. و از منظر شیعه، چنین خواهد بود:

و پاهای تان را تا برآمدگی آن‌ها مسح کنید. تصریح به «مسح پاها» در ترجمه‌های شیعه و «شستن» آن‌ها در ترجمه‌های اهل سنت، نشأت گرفته از این اعتقاد است.

- ترجمه رشید الدین میبیدی: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ای ایشان که بگرویدند، إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ چون از خواب بر نماز خیزید [خوابی که چشم و دل پر کند]، فَأَغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ رُءُوسَكُمْ وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ و دو دست خویش، إِلَى الْمَرَافِقِ تا هر دو وارن، وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ و سرهای خویش را مسح کنید، وَأَرْجُلَكُمْ و دو پای خویش [بشوئید]» (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۰).

- ترجمه دهلوی: «ای مسلمانان چون برخیزید به سوی نماز پس بشوئید روی خود را و دست‌های خود را تا آرنج و مسح کنید سر خود را و بشوئید پای‌های خود را تا شتالنگ» (دهلوی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۲۹).

- ترجمه نسفی: «ای مؤمنان چون خواهید که به نماز برخیزید، و شما محدث باشید، فَأَغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ رُءُوسَكُمْ و دست‌هاتان با آرنج‌ها بشوئید، وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ و بعضی از سرهاتان مسح کنید، وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ و پای‌هاتان با کعب‌هاتان بشوئید» (نسفی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۰۶).

در هر سه ترجمه فوق، تأثیر پیش‌فرض‌های عقیدتی در انتقال معنای آیه دیده می‌شود.

نتیجه بحث

هدف ترجمه، انتقال همان مفاهیم روشن که برای خواننده معمولی در بدو نظر آشکار می‌گردد، به زبان دیگری است. از این رو با توجه به ماهیت ترجمه و تفاوت آن با تفسیر، ضرورتی ندارد که مترجم بکوشد تا ابهامات اصلی متن را روشن کند و تلاشی بیش از نویسنده متن از خود نشان دهد (اسلامی، بی تا: ۱۱). همچنان که در ترجمه آیه ۴ سوره ابراهیم (ع)، مترجمان شیعه بهتر است با پرهیز از توضیح، تشریح و تقیید ترجمه، از تحمیل عقاید خود به مخاطب آیه احراز نمایند. مترجمان اهل سنت نیز، با لحاظ حصر و عطف و کیف موجود در آیه ۵۵ سوره مائده، معنا و مفهوم آن را فدای پیش‌فرض‌های اعتقادی خود نکنند. هم‌چنین در آیه مربوط به کیفیت وضو نیز هر دو گروه می‌توانند با

تنقیح پیش‌فرض‌های خود، از بیان مرجع فعل «وارجلکم إلی الکعبین» صرف نظر نموده و توضیح این مسأله را به علم تفسیر یا فقه واگذارند. بنابراین می‌توان گفت که ترجمه قرآن می‌بایست بر اساس دقایق بلاغی و نحوی و سبک ویژه قرآن صورت گیرد؛ و به مخاطب اجازه داده شود تا همانطور که یک عرب‌زبان، در خوانش متن احیاناً با ابهامات و تعلیق‌هایی مواجه می‌شود، خواننده ترجمه قرآن نیز این مسائل را تجربه نماید و ضرورتی ندارد که همه چیز برای او آشکار و تبیین گردد. بلکه این نکات ابهام و سؤال را می‌بایست در علم تفسیر جست‌وجو نمود. با چنین دیدگاهی می‌توان از بسیاری از دخالت‌های پیش‌دانسته‌های مترجم در ترجمه قرآن کریم، جلوگیری به عمل آورد.



کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- الهی قمشهای، مهدی. ۱۳۸۰، ترجمه قرآن، قم: انتشارات فاطمة الزهراء.
- دهلوی، شاه ولی الله. ۱۴۱۷ق، ترجمه قرآن، مدینه: مجمع ملک فهد لطباعة المصحف الشريف.
- رشیدالدین میبیدی، احمد بن ابی سعد. ۱۳۷۱، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صافی، محمود بن عبد الرحیم. ۱۴۱۸ق، الجدول فی اعراب القرآن، چاپ چهارم، دمشق - بیروت: دار الرشید - مؤسسة الإیمان.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عکبری، عبدالله بن حسین. بی تا، التبیان فی اعراب القرآن، چاپ اول، عمان: بیت الافکار الدولیه.
- فولادوند، محمد مهدی. ۱۴۱۵ق، ترجمه قرآن، تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۷۱، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مکارم، شیرازی ناصر. ۱۳۷۳، ترجمه قرآن، قم: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- نسفی، ابوحفص نجم الدین محمد. ۱۳۶۷، تفسیر نسفی، تهران: انتشارات سروش.
- واعظی، احمد. ۱۳۸۳، درآمدی بر هرمنوتیک، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقالات

- اسلامی، سید حسن. بی تا، «وظیفه مترجم؛ ترجمه یا تفسیر»، سال سیزدهم، شماره ۵۰ و ۴۹، صص ۲۳-۱۰.
- حیدری، غلامرضا. ۱۳۹۰، «پیش فرض های معرفت شناختی علم سنجی»، فصلنامه کتابداری و اطلاع رسانی، شماره ۵۳، جلد چهاردهم، برگرفته از سایت سازمان کتابخانه ها، موزه ها و اسناد ملی آستان قدس رضوی.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. ۱۳۸۴، «فصلنامه پیام جاویدان»، شماره ۶، صص ۶۶-۵۳.